

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه

سطح ۲

درس ۱۰

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای سلگی

## مقدمه

تنها راه سعادت هر شخصی ارتباط با سعادت آفرین و خالق خوبی ها است که از تمام بدی ها پاک و منزّه است. کسی که دارای سخاوت و بخشش زیاد می باشد. و هرکس که از روی اخلاص و به دور از آلودگی ها به در خانه او برود مورد یاری او قرار خواهد گرفت.

به همین خاطر خداوند در مهمترین عبادت بندگان، یعنی نماز فرموده است نباید این عبادت مقرون به آلودگی باشد و در مکان غصبی صورت بگیرد و لازم است با نیت پاک و خالص، تنها برای ذات خداوند انجام بگیرد. پس از آنکه در درس گذشته در مورد یکی از شرایط نماز -ستر عورت- بحث کردیم؛ در این درس درباره شرط دیگر نماز، یعنی مکان نمازگزار بحث خواهیم نمود و در پایان به بررسی نیت که یکی از اجزاء نماز است می پردازیم.

متن عربى

## مكان المصلّى

لا تصح الصلاة فى المكان المغصوب إلّا إذا اذن المالك. و لا فى المكان المشترك لأحد الشركاء بدون إذن البقيّة. و لا فى المكان المتحرك الذى لا تتحقق فيه الطمأنينه و المستند فى ذلك:

١. اما عدم صحة الصلاة فى المغصوب، فلان المحرم لا يمكن ان يقع مصداقا للواجب.

و بكلمة اخرى: المحرم لا يمكن ان يكون مقربا.

و قيل باعتبار اباحة خصوص المسجد دون غيره.

٢. و اما الصحّة مع الاذن فلتتحقق الإباحة للمأذون.

٣. و اما انه يعتبر إذن جميع الشركاء فى المشترك فلان المالك لما كان هو المجموع - لقرض الاشاعة - فيعتبر إذنه

٤. و اما اعتبار ان لا يكون مكان المصلّى متحركا بنحو لا تتحقق فيه الطمأنينه، فهو امر متسالم عليه. و قد يستدل له

برواية السكونى عن ابى عبد الله (عليه السلام) «الرجل يصلى فى موضع ثم يريد ان يتقدم، قال: يكف عن القراءة فى

مشيه حتى يتقدم الى الموضع الذى يريد ثم يقرأ»<sup>١</sup> فانها تدل على اعتبار الطمأنينه المصلّى اثناء قرائته، و مع اضطراب

المكان لا يمكن تحققها.

و ضعف السند بالنوفلى - الراوى عن السكونى - حيث لم يوثق لا يضر بناء على تمامية كبرى الانجبار بعمل

المشهور.

## اجزاء الصلاة

### النية

و المراد منها كون الباعث الى الفعل المعين أمر الله سبحانه<sup>٢</sup>

و يعتبر تعيين الصلاة إذا كانت سالحة لوجهين.

و لا تلزم نيّة القضاء و الاداء عند عدم اشتغال الذمّة بالقضاء أو عند تردّد ما اشتغلت به بينهما.

و عند شك المكلف فى نيّتها ظهرا أو عصرا ينوبها ظهرا ان لم يأت بها قبلا و إلّا بطلت.

و المستند فى ذلك:

<sup>١</sup> وسائل الشيعه؛ باب ٣٤ من ابواب القراءة فى الصلاة، حديث ١.

<sup>٢</sup> -و لا يجب فيها التلطف، لأنها أمر قلبى، كما لا يجب فيها الاخطار أى الحديث الفكرى و الإحضار بالبال، بأن يرتّب فى فكره و خزانه خياله مثلا

أصلّى صلاة فلا نيّة امتثالا لأمره، بل يكفى الداعى و هو الإرادة الإجمالية المؤثرة فى صدور الفعل المنبثثة عمّا فى نفسه من الغايات على وجه يخرج

به عن الساهى و الغافل، و يدخل فعله فى فعل الفاعل المختار، كسائر أفعاله الإرادية و الاختيارية، و يكون الباعث و المحرك للعمل الامتثال و

نحوه. (تحرير الوسيله؛ ج ١، ص ١٥٦).

١. اما انه يلزم كون الباعث الى الفعل المعين امر الله سبحانه، فلان ذلك لازم العبادية.  
و بذلك يتّضح بطلان العبادة حالة الرياء لفقد الباعث المذكور، بل هو محرم و مبطل بقطع النظر عن ذلك، ففي  
صحيحة زرارة و حمران عن أبي جعفر عليه السلام: «لو ان عبدا عمل عملا يطلب به وجه الله و الدار الآخرة و ادخل  
فيه رضا أحد من الناس كان مشركا»<sup>١</sup>، فان التعبير بالشرك يدل على الحرمة التي لازمها البطلان.  
و في الحديث الصحيح عن رسول الله (صلى الله عليه و آله) «يومر برجال الى النار... فيقول لهم خازن النار : يا اشقياء  
ما كان حالكم؟ قالو : كنا نعمل لغير الله ، فقبل لنا : خذو ثوابكم ممن عملتم له»<sup>٢</sup>

<sup>١</sup> . وسائل الشيعة؛ باب ١١ من ابواب مقدمة العبادات، حديث ١ .

<sup>٢</sup> - وسائل الشيعة؛ باب ١٩ من ابواب الخلل الواقع في الصلاة ، حديث ٢ .

## مکان نمازگزار<sup>۱</sup>

در این مسأله چهار عنوان بررسی می شود:

۱. نماز در مکان غضبی باطل است.<sup>۲</sup>
۲. نماز در ملک دیگران با اذن مالک صحیح است.
۳. نماز در ملک مشاع باید با اذن شرکاء باشد.
۴. مکان نماز گزار باید ثابت باشد.<sup>۳</sup>

### مستند حکم اول

دلیل اینکه مکان نمازگزار باید مباح باشد این است که نماز خواندن در ملک دیگران، غضب و حرام است و این عملی که حرام است نمی تواند مصداق واجب باشد؛ و به عبارت دیگر در نماز قصد قربت شرط است و خواندن نماز در مکان غضبی حرام می باشد و با فعل حرام، انسان نمی تواند قصد قربت کند و این عمل نمی تواند مقرب باشد.<sup>۴</sup>

نکته

برخی می گویند: فقط باید محل سجده مباح باشد؛ و لازم نیست کل مکان نمازگزار مباح باشد.

### مستند حکم دوم

نماز در ملک دیگران با اجازه مالک صحیح می باشد؛ زیرا با اجازه دادن مالک، مکان مباح می شود.

### مستند حکم سوم

در جایی که مال مشترک بین چند نفر باشد، باید همه اجازه بدهند تا نماز در آن مکان صحیح باشد؛ زیرا مجموع افراد مالک هستند و اذن همه شرط است.

<sup>۱</sup> . نماز خواندن در هر کجای زمین صحیح است و پیامبر فرمود: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ تَرَابُهَا طَهُورًا أَيَّمَا أَدْرَكْتَنِي الصَّلَاةُ صَلَّيْتُ»؛ زمین برای من مسجد و خاک برای من طهور قرار داده شده است و هر جا موقع نماز باشد، من نماز می خوانم (وسائل الشیعه؛ ج ۵، ص ۱۱۹).

<sup>۲</sup> هر چند که شخص، جاهل به حکم شرعی باشد، یعنی نداند عصب حرام است و یا اینکه جاهل به حکم وضعی باشد، یعنی نداند نماز در مکان غضبی باطل است (شرح لمعه؛ ج ۱، ص ۹۷)

<sup>۳</sup> تمام این احکام مربوط به حالت اختیار است والا شخص مضطر مثل کسی که در مکان غضبی زندانی است، مانعی برای او وجود ندارد (شرح لمعه؛ ج ۱، ص ۹۸).

<sup>۴</sup> روایات هم دلالت بر وجوب غضبی نبودن مکان نماز می کنند؛ مثل روایتی که در آن امیر المؤمنین در وصیت به کمیل می فرماید: «قَالَ يَا كَمِيلُ انْظُرْ فِي مَا تُصَلِّي وَ عَلَى مَا تُصَلِّي إِنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ وَجْهِهِ وَ جِلِّهِ فَلَا قَبُولَ» (وسائل الشیعه؛ ج ۵، ص ۱۱۹). و مثل روایت امام صادق (علیه السلام) که فرمود: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَخَذُوا مَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ فَأَنْفَقُوهُ فِيمَا نَهَاهُمْ عَنْهُ مَا قَبِلَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ أَخَذُوا مَا نَهَاهُمْ اللَّهُ عَنْهُ فَأَنْفَقُوهُ فِيمَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ مَا قَبِلَهُ مِنْهُمْ حَتَّى يَأْخُذُوهُ مِنْ حَقٍّ وَ يُنْفِقُوهُ فِي حَقٍّ» (وسائل الشیعه؛ ج ۵، ص ۱۱۹).

## مستند حکم چهارم

مکان نمازگزار باید ثابت باشد؛ زیرا اولاً این حکم در بین فقهاء متسالم علیه است؛ و ثانیاً روایت نوفلی از سکونی، بر آن دلالت می کند؛ زیرا در این روایت از حضرت سوال شد: شخص در حال نماز به علتی می خواهد حرکت کند آیا می تواند؟ حضرت در جواب فرمود: در حال حرکت نباید ذکر نماز بخواند.

نکته

این روایت هر چند ضعیف می باشد؛ زیرا نوفلی توثیق نشده است؛ ولی اگر ما شهرت را جابر ضعف سند بدانیم، این روایت معتبر خواهد بود؛ زیرا مشهور علماء به آن عمل کرده اند.

Sco۱:۸:۳۹

## تطبيق

### مكان المصلی

لا تصح الصلاة في المكان المغصوب<sup>۱</sup> إلا إذا اذن المالك<sup>۲</sup>. و لا في المكان المشترك لأحد الشركاء بدون إذن البقية. و لا في المكان المتحرك الذي لا تتحقق فيه الطمأنينة.

نماز در مکام غصبی صحیح نیست؛ مگر اینکه مالک اجازه بدهد و همچنین خواندن نماز در مکان مشترک توسط یکی از شرکاء بدون اذن بقیه صحیح نمی باشد؛ و همچنین خواندن نماز در مکان متحرکی که طمأنینه در آن متحقق نمی شود صحیح نیست.

### و المستند في ذلك:

۱. اما عدم صحة الصلاة في المغصوب، فلان المحرم لا يمكن ان يقع مصداقا للواجب.

و بكلمة اخرى: المحرم لا يمكن ان يكون مقربا.

و قيل باعتبار اباحة خصوص المسجد دون غيره<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> . لا تبطل الصلاة تحت السقف المغصوب و في الخيمة المغصوبة (تحرير الوسيلة؛ ج ۱، ص ۱۴۷).

<sup>۲</sup> . المدار في جواز التصرف و الصلاة في ملك الغير على إحراز رضاه و طيب نفسه و إن لم يأذن صريحا، بأن علم ذلك بالقرائن و شاهد الحال و ظواهر تكشف عن رضاه كشفا اطمئنانيا لا يعتنى باحتمال خلافه، و ذلك كالمضائف المفتوحة الأبواب و الحمامات و الخانات و نحو ذلك. (تحرير الوسيلة؛ ج ۱، ص ۱۴۸).

<sup>۳</sup> . و يعتبر في مسجد الجهة زيادة على ما ذكر كونه أرضا أو مما انبثته من غير المأكول و الملبوس أو من القرطاس. (دروس تمهيدية في الفقه الاستدلالي على مذهب الجعفری؛ ج ۱، ص ۲۰۷).

۴. دليل کسانی که اباحه را در خصوص محل سجده واجب می دانند نه در غیر آن، این است که می گویند: اما انه لا يعتبر ذلك في غير السجود فلان مثل الركوع هيئة خاصة بين أجزاء الإنسان و لا يحصل بها تصرف زائد على أصل الكون في المغصوب، فالشخص يقال له: لا تتواجد في المغصوب و لا يقال له: إذا تواجدت فلا تنحن، و معه فلا يكون محرما بحرمة زائدة على أصل الكون. و اما انه يعتبر ذلك في محل السجود فلان السجود نحو من القاء الثقل على الأرض و هو نحو من التصرف الزائد فيها (دروس تمهيدية في الفقه الاستدلالي على مذهب الجعفری؛ ج ۱، ص ۲۰۷).

## دلیل این احکام

اما دلیل صحیح نبودن نماز در مکان غضبی این است که فعل حرام نمی تواند مصداق واجب باشد. و به عبارت دیگر فعل حرام نمی تواند مقرب انسان به خداوند باشد و بعضی گفته اند که فقط باید محل سجده انسان مباح باشد نه دیگر محل های نماز.

۲. و اما الصحّة مع الاذن فلتحقّق الإباحة للمأذون.

۳. و اما انه يعتبر إذن جميع الشركاء في المشترك فلان المالك لما كان هو المجموع - لفرض الاشاعة - فيعتبر إذنه.

۴. و اما اعتبار ان لا يكون مكان المصلي متحركاً بنحو لا تتحقق فيه الطمأنينه،<sup>۱</sup> فهو امر متسالم عليه. و قد يستدل له برواية السكوني عن ابي عبد الله (عليه السلام) «الرجل يصلي في موضع ثم يريد ان يتقدم، قال: يكف عن القراءة في مشيه حتى يتقدم الى الموضع الذي يريد ثم يقرأ»<sup>۲</sup> فانها تدل على اعتبار الطمأنينه المصلي اثناء قرائته، و مع اضطراب المكان لا يمكن تحققها.

و ضعف السند بالنوفلي - الراوي عن السكوني - حيث لم يوثق لا يضر بناء على تمامية كبرى الانجبار بعمل المشهور.

اما صحیح بودن نماز در صورت اذن مالک، به خاطر تحقق اباحه برای شخصی است که به او اذن داده شده است. اما اینکه اذن همه شرکاء در مال مشترک شرط است به خاطر این است که چون مالک، مجموع افراد می باشند - زیرا فرض این است که مال مشاع است - بنا بر این اذن مجموع شرط است.

اما دلیل اینکه مکان نمازگزار نباید متحرک باشد، به طوری که طمأنینه سلب شود، به خاطر این است اولاً این شرط متسالم علیه است. و همچنین برای این شرط به روایت سکونی از امام صادق (علیه السلام) استدلال شده است که در آن از حضرت سوال شد «شخصی در جایی نماز می خواند بعد می خواهد جلو بیاید (آیا می تواند این کار را انجام دهد)؟ حضرت فرمود: در حال حرکت، قرائت نداشته باشد تا به مکانی که می خواهد برود و بعد قرائت بکند» این روایت دلالت بر اعتبار طمأنینه در حال قرائت می کند و اگر مکان متحرک باشد این شرط محقق نمی شود. و ضعف روایت به خاطر نوفلی - که از سکونی نقل می کند - چون که توثیق نشده است، ضرر نمی رساند؛ بنا بر قبول این کبری که روایت ضعیف، با عمل مشهور جبران می شود.

Sco۲:۱۵:۵۷

## اجزاء نماز

نماز دارای ۸ جزء می باشد

<sup>۱</sup> الطمأنينة: بضم الطاء و بعدها ميم مفتوحة بهمزة ساكنة بعد الميم، و يجوز تخفيفها بقلبها ألفا كما في نظائرها، و الفعل منه اطمأن بالهمز و قال ابن قدامة - رحمه الله - في «المغني»: و معنى الطمأنينة: إن يمكث إذا بلغ حدّ الركوع قليلا. و قوله تعالى: «فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ». [سورة النساء، الآية ۱۰۳]: أي إذا سكنت قلوبكم. و الطمأنينة اصطلاحاً: هي استقرار الأعضاء زمناً ما. (معجم مصطلحات و الالفاظ؛ ج، ۲ ص ۴۳۵).

<sup>۲</sup> وسائل الشيعه؛ باب ۳۴ من ابواب القرائة في الصلاة، حديث ۱.

۱. نیت؛ ۲. تکبیره الاحرام؛ ۳. قیام؛ ۴. قرائت؛ ۵. رکوع؛ ۶. سجده؛ ۷. تشهد؛ ۸. سلام .

مسائل مربوط به نیت

۱. مراد از نیت این است که انگیزه بر انجام نماز باید امتثال امر خداوند باشد.

۲. در صورتی که نماز صلاحیت دو وجه داشته باشد؛ مثل قضا و اداء باید در نیت معین شود.<sup>۱</sup>

۳. در صورتی که نماز قضا بر عهده شخص نباشد و یا اینکه مردد باشد که آیا نماز قضا بر عهده اوست یا نماز اداء، قصد اداء یا قضا لازم نمی باشد.

۴. اگر در اثناء نماز شک کند که آیا نیت ظهر کرده است یا عصر، در صورتی که قبلاً نماز نخوانده، باید نیت ظهر کند؛ ولی اگر قبلاً ظهر را خوانده است، این نماز باطل می باشد.<sup>۲</sup>

مستند حکم اول

لازمه عبادی بودن عملی این است که به قصد قربت باشد؛ علاوه بر اینکه روایات هم دلالت بر حرام و باطل بودن عبادات ریایی می کنند.

FG<sup>۱</sup>

تطبيق

اجزاء الصلاة

النية<sup>۳</sup>

و المراد منها كون الباعث الى الفعل المعين أمر الله سبحانه.

و يعتبر تعيين الصلاة إذا كانت صالحة لوجهين.

و لا تلزم نيّة القضاء<sup>۴</sup> و الاداء عند عدم اشتغال الذمّة بالقضاء أو عند تردّد ما اشتغلت به بينهما. و عند شك المكلف في نيّتها ظهراً أو عصرًا ينويها ظهراً ان لم يأت بها قبلاً و إنّما بطل اجزاء

<sup>۱</sup> و همچنين بايد واجب يا مستحب بودن نماز مشخص شود. (شرح لمعه؛ ج ۱، ص، ۱۱۵-۱۱۴).

<sup>۲</sup> نماز دارای مقدماتی مثل اذان و اقامه می باشد که انجام دادن آنها مستحب است.

<sup>۳</sup> - النية هي في اللغة بمعنى القصد يقال نوى الشيء قصده و عزم عليه، و في المجمع النية هي القصد و العزم على الفعل، اسم من نويت نية و نواة أي قصدت و عزمت انتهى، و هذه هي المراد بالداعي المذكور في كلمات الأصحاب يريدون به العزم و الإرادة المحركة نحو العمل، و أما الإخطار بالبال المذكور في كلمات البعض فهو من مقدمات النية و الإرادة، و ما ستسمعه من اشتراطها في العمل لا يراد به أصل وجودها و صدور العمل بالإرادة، فإنه مما لا بد منه في كل عمل إرادى، بل المراد كون العلة الغائية في العمل التقرب و امتثال الأمر. (مصطلحات الفقه؛ ص، ۵۵۰).

<sup>۴</sup> . القضاء في العبادة: إتيان مثل الفعل السابق به الأمر في الصورة و الوجه أو ما يقدر فيه المماثلة إذا فاته الأول كقضاء الجمعة. (رسائل الشريف

مرتضى؛ ج ۲، ص ۲۸۰).



## اجزاء نماز

### نیت

مراد از نیت این است که انگیزه بر انجام فعل معین، دستور خداوند سبحان باشد. در صورتی که نماز صلاحیت دو جهت را دارد باید جهت آن معین شود. و در صورتی که ذمه شخص به اداء و یا قضا مشغول نیست؛ و یا مردد است بین اینکه ذمه او به کدام مشغول است، نیت قضا و ادا لازم نیست. اگر مکلف در اثناء نماز شک کند که نیت ظهر کرده یا عصر، در صورتی که ظهر را قبلاً نخوانده است، نیت می کند که این نماز ظهر باشد، والا این نماز باطل است.

### و المستند فی ذلك:

۱. اما انه يلزم كون الباعث الى الفعل المعين امر الله سبحانه ، فلان ذلك لازم العبادية. و بذلك يتضح بطلان العبادة حالة الرياء<sup>۱</sup> لفقد الباعث المذكور، بل هو محرم و مبطل بقطع النظر عن ذلك، ففي صحيحة زرارة و حمران عن أبي جعفر عليه السلام: «لو ان عبدا عمل عملا يطلب به وجه الله و الدار الآخرة و ادخل فيه رضا أحد من الناس كان مشركا»، فان التعبير بالشرك يدل على الحرمة التي لازمها البطلان. و في الحديث الصحيح عن رسول الله (صلى الله عليه و آله) «يومر برجال الى النار... فيقول لهم خازن النا : يا اشقياء ما كان حالكم؟ قالوا : كنا نعمل لغير الله ، فقيل لنا :خذو ثوابكم ممن عملتم له.».

### مستند این احکام

اما دليل اینکه باید انگیزه بر انجام فعل، معیت امتثال دستور خداوند سبحان باشد، به خاطر این است که این گونه نیت کردن لازمه افعال عبادی است . و با این توضیح، واضح می شود که عبادت در حالت ریا باطل است؛ زیرا دارای انگیزه ذکر شده نمی باشد؛ بلکه، با قطع نظر از این، قصد قربت لازمه عبادی بودن عمل است و عمل ریائی حرام و مبطل عبادت است چرا که در صحیح زراره و حمران از امام صادق علیه السلام نقل شده است که «اگر بنده ای عملی انجام دهد که منظور از آن وجه الله و خانه آخرت باشد، ولی رضایت یکی از مردم را در آن داخل کند مشرک می باشد.» پس همانا تعبیر به شرک دلالت بر حرمت می کند که لازمه آن بطلان عمل است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> . الرياء في اللغة مصدر باب المفاعلة من رأى يرائي مرآة و رياء، و رأيته أريته خلاف ما أنا عليه، فالمفاعلة بمعنى السعي في المادة و إنهاؤها كالمكاتبه، و المرائي من يسعى في أن يراه الناس، و يراؤون و يمنعون الماعون معناه يتعرضون لان يراهم الناس. و كيف كان لا مصطلح خاص للرياء في الشرع و الفقه، بل هو بمعناه اللغوي مقيدا بوقوعه في عبادة الله تعالى، و قد وقع موضوعا للحكم تكليفا و وضعاً و موردا للبحث، فالعمل الصادر بربا محرم باطل شرعا بل هو من المعاصي الكبيرة، و عبر عنه في النصوص بالشرك و ذلك لأن ظاهر العبادة المرائي فيها لله و باطنها لغيره فالصورة عبادة مقربة و المادة نفسانية مبعدة.(مصطلحات الفقه؛ ص ۲۷۸).

<sup>۲</sup> . دليل این استدلال قاعده اصولی است که می گوید: «نهی از عبادت مقتضی فساد عبادت است.» .

و در حدیث صحیح از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که حضرت فرمود: «به گروهی امر می شود که داخل جهنم شوید... و خازن آتش به آنها می گوید: ای اشقیایا حال شما چگونه است؟ گفتند: ما برای غیر خدا عمل می کردیم و به ما گفته شد، ثوابتان را از کسی که برای او عمل می کردید، بگیرید.»

**Sco**۳:۲۷:۱۳

## چکیده

۱. نماز در مکان غضبی باطل است.
۲. نماز در ملک دیگران با اذن مالک صحیح می باشد.
۳. نماز در ملک مشترک، توسط یکی از شرکا بدون اذن باقی شرکا باطل است.
۴. مکان مصلی باید ساکن باشد.
۵. مراد از نیت در نماز این است که انسان فعل را به قصد امتثال امر خداوند انجام دهد.
۶. در صورتی که نماز صلاحیت دو جهت را داشته باشد مثل قضا و اداء باید در نیت معین شود.
۷. در صورتی که نماز قضا بر عهده شخص نباشد و یا اینکه مردد باشد که آیا نماز قضا بر عهده اوست یا نماز اداء، قصد اداء و یا قضا لازم نمی باشد.
۸. اگر در اثناء نماز شک کند که آیا نیت ظهر کرده است یا عصر در صورتی که قبلاً نماز نخوانده، نیت می کند که این نماز ظهر است، ولی اگر قبلاً ظهر را خوانده است، این نماز باطل می باشد.

## ساختار

- |  |   |                            |
|--|---|----------------------------|
| <p>۱. غضبی نباشد.</p> <p>۲. ثابت باشد.</p> | } | <p>شرایط مکان نمازگزار</p> |
|--|---|----------------------------|